

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۵، شماره ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۹) شماره صفحات: ۲۲۷ - ۲۴۹

واژه‌بست در گویش طالقانی

موسی میرزایی^۱، بهزاد رهبر^{۲*}، محمدرضا اروجی^۳

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران

۲- استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳- استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تعیین و توصیف واژه‌بست‌های گویش طالقانی بر اساس الگوی زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) است. زوئیکی و پولوم ملاک‌های متعددی را برای متمایز کردن کلمه از واژه‌بست ارائه می‌دهند. این ملاک‌ها مبین آن هستند که واژه‌بست‌ها در مقایسه با کلمات، خصوصیتی را شبیه به وندها (بیش‌تر وندهای تصریفی) از خود به نمایش می‌گذارند. این تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی است و ۲۰ نفر از گویشوران طالقانی روستای «کیاده» در آن مشارکت داشته‌اند. سن شرکت‌کنندگان بین ۳۰ تا ۸۰ سال می‌باشد و تمایز جنسی نیز لحاظ نشده است. گویشوران از سنین مختلف و شامل افراد بی‌سواد و تحصیل‌کرده می‌باشند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که واژه‌بست‌های گویش طالقانی به دو دسته ساده و ویژه تقسیم می‌شوند. واژه‌بست‌های ساده شامل ۲ واژه‌بست /-e/ نشانه مفعولی و /-e/ متمم‌ساز می‌باشند. واژه‌بست‌های ویژه نیز شامل هفت واژه‌بست می‌باشند که عبارتند از /-o/ نشانه عطف، /-am/ معادل «هم» در زبان فارسی، /-e/ معرفه‌ساز، /-i/ اضافه، /-â/ نشانه تأکید، «فعل‌های پی‌بستی» و «ضمایر پیوسته». مقاله حاضر نشان می‌دهد که می‌توان از الگوهای زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) به عنوان ابزاری علمی و مناسب جهت تشخیص و مطالعه واژه‌بست‌های گویش طالقانی استفاده کرد. به منظور بررسی و طبقه‌بندی تکواژهای وابسته در گویش طالقانی، هفت آزمون از آزمون‌های پیشنهادی زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) انتخاب شدند. آزمون‌های انتخابی به سه گروه آوایی، صرفی و نحوی تقسیم شدند و برای بررسی و شناسایی واژه‌بست‌ها در گویش طالقانی ابتدا همه تکواژهای وابسته این گویش گردآوری و به کمک آزمون‌های گفته‌شده، سنجیده شدند.

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۲ شهریورماه ۹۸

پذیرش: ۱۹ شهریورماه ۹۹

واژه‌های کلیدی:

واژه‌بست

پی‌بست

ساخت‌واژه

تکواژ

گویش طالقانی

۱. مقدمه

این تحقیق به طور عام بر گویش طالقانی و به طور خاص بر گویش روستای «کیاده» انجام گرفته است که در قسمت پایین طالقان قرار دارد و تقریباً در مرز تقسیم بندی استانی بین استان البرز و قزوین (در محدوده جغرافیایی استان قزوین) در ۶۰ کیلومتری شهر قزوین واقع شده است. گویش طالقانی از گویش‌های زبان تاتی است. یارشاطر (۱۳۴۶) عنوان می‌کند که «ریشه گویش تاتی به قوم ماد برمی‌گردد». در مطالعات ساخت‌واژی، تکواژ به عنوان کوچک‌ترین واحد معنادار زبان به دو دسته آزاد و وابسته تقسیم می‌شود و بر اساس این که بتوان آن‌ها را به عنوان واژه مستقل به کار برد یا این که باید به واژه متصل شوند، به دو دسته آزاد و وابسته تقسیم می‌شوند. اما مطالعات زبان‌های مختلف دنیا نشان می‌دهد که بعضی واحدهای زبانی در این تقسیم‌بندی نمی‌گنجند و حد وسط تکواژهای آزاد و وابسته هستند. این واحدها دارای بعضی خصوصیات تکواژهای وابسته و بعضی خصوصیات تکواژهای آزاد هستند. این واحدهای زبانی را «واژه‌بست^۱» می‌نامند.

واژه‌بست‌ها عناصری هستند که از یک سو به واژه‌ها و از سوی دیگر به وندها شباهت دارند لذا نقش و رفتاری بین واژه و وند دارند (اندرسون^۲، ۱۹۹۸: ۴۲). از آنجایی که واژه‌بست‌ها پس از عملکرد تمام قواعد واژگانی افزوده می‌شوند، عده‌ای آن‌ها را وندهای «پساواژگانی^۳» نامیده‌اند (بوی^۴، ۲۰۰۵: ۱۶۷). واژه‌بست‌ها ویژگی‌های مخصوص به خود را دارند که آن‌ها را هم از واژه‌ها و هم از وندها متمایز می‌کنند. واژه‌بست‌ها فاقد تکیه هستند، به واژه مجاور متصل می‌شوند و قواعد آوایی بر نحوه اتصال آن‌ها حاکم است (شقاقی^۵، ۱۳۷۴: ۱۴۵). واژه‌بست‌ها را می‌توان به دو گروه ساده و ویژه تقسیم کرد. واژه‌بست‌های ساده^۵ که صورت کامل دارند و صورت کوتاه‌شده سه کلمه «را»، «و» و «هم» نیز اغلب در محاوره و گفتار سریع و خودمانی به کار می‌رود. واژه‌بست‌های ویژه^۶ به دو دسته تقسیم می‌شوند. واژه‌بست‌هایی مانند «-ی» نکره، «-ی» تخصیص نکره، کسره

1. clitic
2. S. R. Anderson
3. postlexical
4. G. Booij
5. simple clitics
6. special clitics

اضافه و نشانه تأکید «-ها» که صورت کامل ندارند و آن‌ها که مانند صورت‌های وابسته فعل «بودن» و ضمائر پیوسته، صورت کامل دارند اما توزیعی برابر ندارند (شقاقی، ۱۳۷۴: ۱۵۰).

واکرناگل^۱ (۱۸۹۲) دریافت که واژه‌بست‌ها در اغلب زبان‌های هند و اروپایی در جایگاه دوم، یعنی پس از اولین واژه، در جمله ظاهر می‌شوند. مقایسه فارسی میانه و فارسی جدید نشان می‌دهد که این پیوست‌ها به سمت انتهای جمله حرکت کرده‌اند (راسخ‌مهند، ۱۳۸۸: ۱).

مطالعات زیادی درباره واژه‌بست توسط محققان غربی و ایرانی صورت گرفته‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به واکرناگل (۱۸۹۲)، زوئیکی^۲ (۱۹۷۷ و ۱۹۸۵)، کلاونس^۳ (۱۹۸۵ و ۱۹۸۵)، زوئیکی و پولوم^۴ (۱۹۸۳)، اسپنسر^۵ (۱۹۹۱)، اندرسون (۱۹۹۴)، کاتامبا^۶ (۱۹۹۳) و بوی (۲۰۰۵) به عنوان محققان غربی و شقاقی (۱۳۷۴)، ممسنی (۱۳۸۰)، راسخ‌مهند (۱۳۸۴، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹)، مشکوه‌الدینی (۱۳۹۴)، واحدی لنگرودی و ممسنی (۱۳۸۴)، قطره (۱۳۸۶)، مزینانی و کامبوزیا و گلفام (۱۳۹۴) به عنوان محققان ایرانی اشاره کرد.

در این مقاله ابتدا دیدگاه‌ها و مطالعات مختلفی که بر روی واژه‌بست صورت گرفته‌اند، به اختصار تحت عنوان پیشینه معرفی خواهند شد. سپس الگوهای زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) معرفی خواهند شد. سپس واژه‌بست‌های گویش طالقانی بر اساس الگوهای این محققان مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲. پیشینه پژوهش

اولین بار واکرناگل (۱۸۹۲) واژه‌بست‌ها را در مطالعات زبان‌های هند و اروپایی شناسایی کرد و آن‌ها را عناصر جایگاه دوم نامید (زوئیکی، ۱۹۷۷: ۱۹).

اسپنسر (۱۹۹۱) واژه‌بست‌ها را به صورت عناصری تعریف می‌کند که دارای برخی از مشخصه‌های واژه‌های مستقل هستند، اما استقلال یک واژه را ندارند. این عناصر نمی‌توانند به صورت مستقل ظاهر شوند، بلکه از لحاظ آوایی باید به یک میزبان متصل شوند. واژه‌بست‌ها مانند

1. J. Wackernagel
2. A. Zwicky
3. J. Klavans
4. K. Pullum
5. A. Spencer
6. F. Katamba

ضمایر و فعل‌های کمکی، به طبقه واژه‌های دستوری تعلق دارند. وی واژه‌بست‌سازی^۱ را نقطه تلاقی ساخت‌واژه، نحو و واج‌شناسی می‌داند.

کلاونس (۱۹۸۵) معتقد است که واژه‌بست از نظر نحوی به یک گروه نحوی متصل می‌شود و این باعث تمایز واژه‌بست از وند می‌شود. وی پارامترهایی را برای مشخص کردن اتصال واژه‌بست و حوزه عملکرد آن‌ها پیشنهاد می‌کند. کلاونس سه پارامتر تسلط^۲ (آغازی-پایانی^۳) و تقدم^۴ (قبل-بعد)^۵ و پیوند واجی^۶ (پیش‌بست-پی‌بست^۷) را برای تمایز واژه‌بست‌ها پیشنهاد کرد.

زوئیکی (۱۹۹۴) واژه‌بست‌ها را به دو دسته واژه‌بست‌های ساده و واژه‌بست‌های ویژه تقسیم می‌کند. واژه‌بست‌های ساده علاوه بر شکل کوتاه‌شده، دارای صورت واژگانی کامل نیز می‌باشند. واژه‌بست‌های ساده در همان جایگاه نحوی به کار برده می‌شوند که صورت کامل آن‌ها به کار می‌رود و تنها تفاوت آن‌ها این است که واژه‌بست‌های ساده را باید به میزبان متصل کرد. اندرسون (۱۹۹۴) واژه‌بست‌های ویژه را وند گروهی^۸ می‌نامد. او واژه‌بست‌های ویژه را به دو گروه اشتقاقی و تصریفی تقسیم می‌کند و معتقد است فعل‌های کمکی، نشانه‌های زمان دستوری، عناصر ضمیری، وابسته‌های اسمی و علائم مالکیت از جمله واژه‌بست‌های تصریفی هستند.

راسخ‌مهند (۱۳۸۴) به کارکرد مطابقت مفعولی پی‌بست‌های ضمیری فارسی پرداخته است و به مطابقت میان فعل و مفعول اشاره دارد. وی (۱۳۸۸) به بررسی پی‌بست‌های ضمیری در زبان تاتی می‌پردازد. پی‌بست‌های ضمیری در زبان تاتی جنوبی در نقش نشانه فاعل متعدی در زمان گذشته، در جایگاه واکرناگل ظاهر می‌شوند. در نقش نشانه مفعول نیز از جایگاه واکرناگل خارج شده‌اند ولی هنوز به جایگاه پس از فعل نرفته‌اند. راسخ‌مهند (۱۳۸۹) به بررسی واژه‌بست‌های ضمیری زبان فارسی در کنار فعل می‌پردازد و نشان می‌دهد که آن‌ها در کنار فعل دو نقش متفاوت دارند. واژه‌بست‌های افعال مرکب پی‌بستی حضوری اجباری دارند و به نشانه مطابقت

1. cliticization
2. dominance
3. initial-final
4. precedence
5. before-after
6. phonological liaison
7. proclitic-enclitic
8. phrasal affix

تبدیل شده‌اند. واژه‌بست‌ها در نقش نشانهٔ مفعول نیز واژه‌بست‌های منضم هستند، حاصل مضاعف‌سازی^۱ واژه‌بست می‌باشند و به نشانهٔ مطابقه تبدیل نشده‌اند.

مشکوه‌الدینی (۱۳۹۴) به ویژگی‌های واژه‌بست‌ها اشاره می‌کند که عبارتند از: الف) به دنبال واژه می‌چسبند، اما بخشی از ساخت‌واژه اشتقاقی و یا صرفی محسوب نمی‌شوند. ب) از لحاظ معنی، به رابطهٔ ساختی و یا دستوری خاص از جمله، اضافهٔ اسمی (ملکی)، اضافهٔ صفتی، رابط، ضمیر متصل با رابطهٔ دستوری اضافهٔ اسمی، متمم حرف اضافه یا مفعول صریح، عطف و رابطهٔ دستوری ندا اشاره می‌کنند. پ) از لحاظ آوایی، تکیهٔ اصلی واژه بر آن‌ها ظاهر نمی‌شود.

لنگرودی و ممسنی (۱۳۸۴) پی‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری را مورد بررسی قرار می‌دهند و تلاش دارند تا تحلیلی ساخت‌واژی و نحوی از این پی‌بست‌ها ارائه بدهند. آن‌ها در این تحقیق نشان می‌دهند که پی‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری عناصری نحوی هستند. به این معنی که جایگاه‌های نحوی مثل مفعول صریح و غیرصریح، مطابقه یا مضاف‌الیه را پر می‌کنند. قطره (۱۳۸۶) تکواژ وابستهٔ «-ی نکره» را واژه‌بست به شمار می‌آورد اما چنین فرض می‌کند که زبان فارسی در مرحله گذار قرار دارد و «-ی نکره» با فاصله گرفتن از وند تصریفی به سمت واژه‌بست‌شدن پیش می‌رود. او برای اثبات ادعای خود به متون فارسی قدیم اشاره می‌کند و با ذکر چند مثال از ادبیات قدیم نشان می‌دهد که «-ی نکره» در گذشته عموماً به هستهٔ گروه اسمی متصل می‌شد.

مزینانی، کامبوزیا و گلغام (۱۳۹۴) واژه‌بست‌های ضمیری گویش مزینان را مورد بررسی قرار می‌دهند و نشان می‌دهند که واژه‌بست‌های ضمیری گویش مزینانی در مجاورت بلافصل فعل ظاهر شده‌اند و بر خلاف فارسی معیار به تکواژهای امر، فهی، نفی و سازه‌های نحوی در نقش مفعول مستقیم و غیرمستقیم نیز می‌پیوندند. همچنین این عناصر بدون استفاده از ادات نقش‌نما در نقش‌های نحوی غیرصریح مانند حالت‌های به‌ای، ازی و برایی ظاهر می‌شوند.

در خصوص گویش طالقانی پژوهش‌های معتبر زبان‌شناسی بسیار ناچیزی صورت گرفته است. البته پژوهش‌های متنوعی در مورد طالقان انجام شده‌اند که بیش‌تر به بعد انسان‌شناختی، فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی می‌پردازد.

1. doubling

هاشمی (۱۳۷۲) به بررسی آوایی، صرفی و نحوی گویش «اوانک» پرداخته است که گویش مردم روستایی به همین نام واقع در منطقه طالقان است. نگارنده آورده است که این گویش یکی از گونه‌های گویش طالقانی است که آن نیز به نوبه خود یکی از گونه‌های زبان تاتی به شمار می‌رود. بررسی آوایی گویش طالقانی نشان داد که این گویش از ۲۲ همخوان، ۶ واکه بسیط و یک واکه مرکب تشکیل شده است.

الهیوی (۱۳۷۴) به بررسی گویش طالقانی-سوهانی پرداخته است که یکی از گویش‌های تاتی می‌باشد. خصوصیات اصلی این گویش عبارتند از تقدم صفت بر موصوف، تقدم مضاف‌الیه بر مضاف، کاربرد حروف اضافه بعد از اسم، به جای قبل از اسم. در محدوده آوایی نیز این گویش فاقد واج /z/ می‌باشد و دارای یک واکه مرکب /ow/ نیز می‌باشد.

۳. مبانی نظری و روش‌شناختی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. با توجه به این‌که منطقه طالقان دارای روستاهای متعددی است و منطقه وسیعی را در بر می‌گیرد. لذا برای حفظ یکدستی افراد مورد تحقیق، بالغ بر بیست نفر از گویشوران، ۳۰ تا ۸۰ ساله طالقانی روستای «کیاده» انتخاب شدند. تمایز جنسی میان افراد لحاظ نشد و تحصیلاتشان از بی‌سواد تا دارای تحصیلات عالی است. پژوهشگر از راه تماس مستقیم با گویشوران گویش طالقانی به بررسی این گویش پرداخته است. این امر با ایجاد رابطه نزدیک با گویشوران محلی و فراهم کردن شرایط طبیعی برای بحث و گفت‌وگو و تشویق گویشوران به بیان تجربیات، داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، سرگذشت خود و رسوم گذشتگان و وضعیت زندگی مردمان روستا محقق شد. گویشوران در این شرایط با علاقه و بسیار طبیعی درباره موضوعات سخن گفتند.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که واژه‌بست‌های گویش طالقانی کدامند؟ و آیا آزمون‌های ارائه شده توسط زونیک و پولوم (۱۹۸۳) برای مشخص کردن واژه‌بست‌های گویش طالقانی کارآمد هستند؟ برای بررسی و شناسایی واژه‌بست‌ها در گویش طالقانی ابتدا همه تکواژهای وابسته این گویش گردآوری و به کمک آزمون‌های گفته شده سنجیده شدند. در این صورت امکان متمایز کردن واژه‌بست‌ها از وندهای تصریفی و اشتقاقی فراهم می‌شود.

برای بررسی و طبقه‌بندی تکواژهای وابسته در گویش طالقانی، هفت آزمون از آزمون‌های پیشنهادی زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) انتخاب شدند. آزمون‌های انتخابی به سه گروه آوایی، صرفی و نحوی قابل تقسیم هستند:

۳-۱. آزمون آوایی

واژه‌بست از نظر تکیه متکی به عنصر دیگری است؛ اما، واژه از نظر تکیه مستقل است، یعنی عنصر فاقد تکیه احتمالاً یک واژه‌بست است. مقوله‌های دستوری مختلف الگوی تکیه متفاوتی دارند. برای مثال، مقوله اسم در زبان فارسی تکیه پایانی دارد. افزودن وندهای اشتقاقی و تصریفی اغلب موجب تغییر جایگاه تکیه می‌شود؛ اما، افزودن واژه‌بست تغییری در طرح تکیه کلمه پایه ایجاد نمی‌کند. از این آزمون برای تمیز واژه‌بست از وند تصریفی یا اشتقاقی استفاده می‌شود. البته تکیه نباید به تنهایی ملاک تشخیص قرار گیرد زیرا ممکن است واژه‌بست در شرایط خاصی حامل تکیه باشد (شقاقی، ۱۳۷۴: ۱۴۶).

در گویش طالقانی، افزودن وندهای اشتقاقی و تصریفی موجب تغییر جایگاه تکیه می‌شود:

(1) <i>ke'tâb</i>	→	<i>ketâ'b-ân</i>
book		book-PL
«کتاب»		«کتاب‌ها»

با اضافه شدن پسوند تصریفی جمع *-ân*، تکیه از جایگاه دوم به جایگاه سوم تغییر می‌کند.

(2) <i>ke'tâb</i>	→	<i>ke'tâb-et</i>
book		book-2SG
«کتاب»		«کتابت»

اما با اضافه شدن واژه‌بست جایگاه تکیه تغییر نمی‌کند:

۳-۲. آزمون صرفی

واژه‌بست‌ها بیش‌تر به وندها به‌ویژه به وند تصریفی شباهت دارند اما از جهاتی نیز همانند واژه هستند. لذا برای تمیز این سه گروه (واژه‌بست، وند تصریفی و واژه) از چهار آزمون صرفی

موسوم به وابستگی^۱، جلوگیری از وند افزایی^۲، توزیع^۳ و خلاء/اتفاقی^۴ استفاده می‌شود. در گویش طالقانی در ترکیب واژه + واژه‌بست خلاء اتفاقی رخ نمی‌دهد.

۱-۲-۳. وابستگی

وندها عناصر وابسته و واژه‌ها عناصر آزاد هستند. واژه‌بست‌ها نیز وابسته هستند و به تنهایی به کار نمی‌روند. از این آزمون برای تمایز بین واژه با وند و واژه‌بست استفاده می‌شود. به عنوان مثال، نمی‌توان از پی‌بست ضمیری «-ت» به عنوان یک واژه آزاد در هسته گروه اسمی استفاده کرد و باعث نادستوری شدن جمله (۳) می‌شود:

(3) * *-et re xâne-de bior-d-am*

2.SG OM house-from bring-PST-1SG

* «-ت را از خانه آوردم»

همانطور که مشاهده می‌شود استفاده از واژه‌بست به عنوان هسته گروه اسمی موجب نادستوری شدن جمله می‌شود.

۲-۲-۳. جلوگیری از وندافزایی

بعضی از وندهای تصریفی مانع از افزودن وند جدیدی به پایه می‌شوند. واژه‌بست‌ها نیز مانع از وندافزایی و گاه واژه‌بست‌افزایی می‌شوند. به طور مثال، با افزودن وندهای اشتقاقی «-ش» و «-گاه» و «-ئی» به ستاک حال «دان» از فعل «دانستن» می‌توان به ترتیب سه واژه «دانش»، «دانشگاه» و «دانشگاهی» را ساخت. چنانچه به واژه دانشگاه پسوند جمع «-ها» را بیافزاییم دیگر نمی‌توان پسوند اشتقاقی «-ئی» موسوم به یای نسبت را افزود؛ اما می‌توان به کلمه دانشگاهی پسوند جمع «-ان» و «-ها» را اضافه کرد و کلمه‌های «دانشگاهیان» و «دانشگاهی‌ها» را به دست آورد (شقایق، ۱۳۷۴: ۱۴۷).

1. relevance
2. affixation blocking
3. distribution
4. arbitrary gap

در گویش طالقانی اگر چنانچه واژه‌بست به پایه متصل شود، مانع از افزودن وند صرفی می‌شود، ولی امکان افزودن واژه‌بست وجود دارد. آزمون وندافزایی نیز در گویش طالقانی دارای کاربرد می‌باشد و می‌توان از این آزمون برای تشخیص واژه‌بست‌ها از وند استفاده کرد. امکان اتصال چند واژه‌بست وجود دارد:

- (4) *qazâ -m-e bexor-d-am*
 food-1SG-OM eat-PST-1SG
 «غذامو»

در این مثال ضمیر متصل (*-m*) و نشانه مفعولی (*-e*) واژه‌بست می‌باشند.
 - امکان اتصال وند تصریفی بعد از واژه‌بست وجود ندارد:

- (5) **qazâ -m-e-ân*
 food-1SG-OM-PL
 «غذاموها»*

همانطور که مشاهده می‌شود، وند تصریفی جمع (*-ân*) نمی‌تواند بعد از واژه‌بست‌های ضمیر متصل (*-m*) و نشانه مفعولی (*-e*) ظاهر شود.
 - امکان اتصال واژه‌بست بعد از وند تصریفی وجود دارد:

- (6) *qazâ-ân-e-m-e*
 food-PL-LINK-1SG-OM
 «غذاهامو»

همانطور که مشاهده می‌شود واژه‌بست‌های ضمیر متصل (*-m*) و نشانه مفعولی (*-e*) می‌توانند بعد از وند تصریفی جمع (*-ân*) ظاهر شوند.

۳-۲-۳. توزیع

واژه‌بست در گزینش واژه پایه از محدودیت کم‌تری برخوردار است اما وندها به واژه‌های خاصی متصل می‌شوند. برای مثال، وند تصریفی «-تر» فقط به پایه صفتی و یا نشانه جمع «-ها» به پایه اسمی متصل می‌شود؛ اما واژه‌بست را می‌توان به عناصر متفاوتی افزود. در گویش طالقانی می‌توان از این آزمون برای تمیز وندهای تصریفی و اشتقاقی از واژه‌بست استفاده کرد:

- (7) *?ali moallem-a*
 Ali teacher-be.PRES.3SG

«علی معلم است»

(8) *ketâb-e xobi-a*
book-LINK good-be.PRES.3SG

«کتاب خوبی است»

(9) *qarâr-e-mân emruz-a*
date-LINK-1PL today-be.PRES.3SG

«قرارمان امروز است»

در مثال‌های (۷)، (۸) و (۹) پی‌بست «-a» تکواژگونه کوتاه‌شده صورت فعل «*hasta*» طالقانی است که به ترتیب به مقوله‌های اسم، صفت و قید افزوده شده است.

۳-۳. آزمون نحوی

قواعد نحوی از جمله حذف به قرینه^۱ و حرکت^۲ بر ترکیب واژه+واژه‌بست مانند ترکیب واژه+واژه عمل می‌کنند. این قواعد واژه‌بست را عنصری نحوی هم‌ردیف واژه تلقی می‌کنند.

۳-۳-۱. قاعده حذف به قرینه

واژه‌بست‌ها بر خلاف وندهای تصریفی می‌توانند به قرینه حذف شوند؛ یعنی حذف به قرینه در واژه+واژه‌بست و واژه+واژه عمل می‌کند اما در واژه+وند عمل نمی‌کند.
- خانه‌ام و مدرسه‌ام به هم نزدیک نیستند = خانه و مدرسه‌ام به هم نزدیک نیستند.
- این اتاق بزرگ‌تر و روشن‌تر از اون یکی است = * این اتاق بزرگ و روشن‌تر از اون یکی است.
بررسی داده‌های گویش طالقانی نیز وجود این قاعده را اثبات می‌کند:

(10) *ali inje debi-a vali (?ali) beši-a*
Ali here be-PST.3SG but (Ali) go-PST.3SG

«علی این‌جا بوده است اما (علی) رفته است»

(11) *xâne(m) va madresi-m beham nezdik-an*

1. ellipsis
2. transference

house and school-1SG each other near-be.PRES.3PL

«خانه(ام) و مدرسه‌ام به هم نزدیک هستند»

اما در جمله‌ای که حذف به قرینه پسوند تصریفی صورت گرفته باشد جمله همانند زبان فارسی غیردستوری نخواهد بود اما باعث تغییر معنا می‌شود:

(12) *medâd-o daftar-ân-em-a* *vigi-t-am*
pencil and notebook-PL-1SG-OM take-PST-1SG

«مداد و دفترهایم را برداشتم»

(13) *medâd-ân-o daftar-âne-m-a* *vigi-t-am*
pencil-PL-and notebook-PL-1SG-OM take-PST-1SG

«مدادها و دفترهایم را برداشتم»

اما در جمله‌ای که حذف به قرینه پسوند اشتقاقی صورت گرفته باشد، جمله همانند زبان فارسی غیردستوری خواهد بود:

(14) *?inân hamiš bexâtere javân-i va xâm-i-a*
this-PL all because young-NOM and inexperienced-NOM-be.PRES

«این‌ها همه ناشی از جوانی و خامی است»

(15) *?*inân hamiš az javân va xâm-i-a*
this-PL all from young and inexperienced-NOM-be.PRES

«*این‌ها همه ناشی از جوان و خامی است»

۲-۳-۳. قاعده حرکت

قاعده حرکت نیز بر بخشی از واژه عمل نمی‌کند و می‌تواند کل کلمه را در جمله جابه‌جا کند. هرگاه این قاعده بتواند یکی از دو بخش یک ترکیب X+Y را بدون دیگری حرکت دهد، با واژه سروکار داریم. واژه‌بست‌ها را نمی‌توان جابه‌جا کرد اما واژه را می‌توان جابه‌جا کرد؛ به عبارتی، هرگاه بتوان یکی از دو بخش یک ترکیب را جابه‌جا کرد آن بخش واژه است:

(16) *?ali xâna bešš-a* = *?ali bešš-a xâna*
Ali house go-PST.3SG = Ali go-PST.3SG house

خانه علی رفت = «علی خانه رفت»

(17) *ketâb-et inje der-a* = **ketâb inje der-a-t*
book-2SG here be-PRES.3SG = *book here be-PRES.3SG-2SG

«کتابت این جاست» «کتاب این جاست»

قاعده حرکت را برای تمایز گذاشتن بین واژه‌بست و واژه به کار می‌بریم.

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش از پژوهش قصد داریم به بررسی واژه‌بست‌ها در گویش طالقانی بپردازیم. برای بررسی و شناسایی واژه‌بست‌ها در گویش طالقانی ابتدا سعی شد تمام تکواژهای وابسته این گویش گردآوری و به کمک آزمون‌های گفته‌شده سنجیده شوند تا بتوان واژه‌بست‌ها را از وندهای تصریفی و اشتقاقی جدا کرد.

از مجموع تکواژهای مورد مطالعه، ۹ واژه‌بست شناسایی شدند که همگی فاقد تکیه هستند، و مانع از وندافزایی می‌شوند، دارای خلاء اتفاقی نیستند و طبق قاعده حرکت نمی‌توان آن‌ها را جابه‌جا کرد. از نظر توزیع نیز محدود به عنصر خاصی نیستند و طبق قاعده حذف می‌توان آن‌ها را به قرینه حذف کرد. به دلیل این‌که واژه‌بست‌های گویش طالقانی در انتهای کلمه پایه متصل می‌شوند، همگی از نوع پی‌بستی هستند. در گویش طالقانی از ۹ واژه‌بست شناسایی شده، ۲ واژه‌بست ساده و ۷ واژه‌بست ویژه می‌باشند.

واژه‌بست‌های ساده در گویش طالقانی که همگی از نوع پی‌بست هستند، عبارتند از: /-e/ (نشانه مفعولی)، /-e/ (متمم‌ساز) و واژه‌بست‌های ویژه در گویش طالقانی عبارتند از: /-o/ (نشانه عطف)، /-am/ (معادل «هم» در زبان فارسی)، /-e/ (معرفه‌ساز)، /-i/ (اضافه)، /-â/ (نشانه تأکید)، «فعل‌های پی‌بستی» و «ضمایر ییوسته». فهرست کوتاه‌نوشت‌های مورد استفاده در آوانگاری برای اشاره به مثال‌های مختلف، در پیوست (۱) آمده است.

۴-۱. پی‌بست ساده /-e/ نشانه مفعولی

در زبان فارسی حرف نشانه «را» نشانه مفعول است و کلمه قبل از آن نقش مفعولی دارد (انوری و گیوی، ۱۳۷۸: ۲۷۰). در گویش طالقانی پی‌بست /-e/ صورت کوتاه‌شده «re» (نشانه مفعول) است که در واژه مختوم به همخوان، کوتاه شده و به آن واژه متصل می‌شود. این صورت کوتاه‌شده را پی‌بست ساده می‌نامیم چون توزیعی برابر با صورت کامل خود دارد و بعد از پایه قرار می‌گیرد:

(18) *ketâb-e bebar xâna*

book-OM take-IMP house

«کتاب را ببر خانه»

این حرف در مجاورت واژه مختوم به واکه شکل اصلی خود را حفظ می‌کند:

(19) *gâli re betekân*

rug OM shake.IMP

«قالی را بتکان»

این واژه بست بعد از اسم قرار می‌گیرد و نشانه مفعول صریح است.

۲-۴. پی‌بست ساده /-e/ متمم‌ساز

در گویش طالقانی پی‌بست /-e/ صورت کوتاه‌شده «re» می‌باشد که در واژه مختوم به همخوان، کوتاه شده و به آن واژه متصل می‌شود:

(20) *neni-t-e begun*

mother-2SG-COMP tell.IMP

«به مامانت بگو»

این پی‌بست در واژه‌های مختوم به واکه به صورت کامل خود «re» به کار می‌رود:

(21) *?ali re begun*

Ali COMP tell.IMP

«به علی بگو»

۳-۴. پی‌بست ویژه /-o/ نشانه عطف

حرف «و» برای عطف به کار می‌رود و دو کلمه همجنس یا دو جمله یا دو عبارت را به هم وصل می‌کند (انوری و گیوی، ۱۳۷۸: ۲۵۳). در گویش طالقانی حرف عطف «و» فقط به صورت پی‌بست /-o/ وجود دارد و صورت کامل ندارد:

(22) *hasan-o ahmad biâmi-yan*

Hasan-and Ahmad come-PST.3PL

«حسن و احمد آمدند»

۴-۴. پی‌بست ویژه /-am/

معادل حرف «هم» در زبان فارسی است. این حرف کاربردهای متنوعی دارد؛ از جمله این که برای تأکید به کار می‌رود. این واژه‌بست در گویش طالقانی برخلاف زبان فارسی صورت کامل ندارد:

- (23) *ketâb-am hagir*
book-too take.IMP
«کتاب هم بگیر»

۴-۵. پی‌بست ویژه /-e/ معرفه‌ساز

این تکواژ صورت کامل ندارد، در گروه اسمی ظاهر و به اسم متصل می‌شود:

- (24) *pesar-e dišow bišši-a*
boy-DEF last night go-PST.3SG
«آن پسر (پسره) دیشب رفت»

۴-۶. پی‌بست ویژه /-i/ اضافه

تکواژ حالت اضافه صورت کامل نداشته در گروه اسمی ظاهر و به اسم پایه متصل می‌شود:

- (25) *mâšîn-i čarx pančar šed*
car-LINK wheel flat be.PST.3SG
«چرخ ماشین پنچر شد»

۴-۷. پی‌بست ویژه /-â/ نشانه تأکید

این تکواژ در گویش طالقانی برای تأکید به کار می‌رود و به فعل متصل می‌شود. این تکواژ صورت کامل ندارد:

- (26) *?emšhow inja bemâni-â*
tonight here stay.IMP-EMPHASIS
«امشب این جا بمانی‌ها»

۸-۴. فعل‌های پی‌بستی^۱

صورت‌های مختلف تصریفی فعل «بودن» در زمان حال که عبارتند از:

/-am/ هستم، */-i/* هست، */-a/* هست (است)، */-im/* هستیم، */-in/* هستید، */-an/* هستند:

(27) *?emruz xub-am*

today fine be.PRES.1SG

«امروز حالم خوب است»

فعل «بودن» در گویش طالقانی همانند زبان فارسی، از جمله فعل‌های کمکی است که هم به صورت آزاد و هم به صورت وابسته وجود دارد. صورت وابسته آن هم به عنوان فعل ربط برای ساخت اسنادی در زمان حال کاربرد دارد و هم به عنوان فعل کمکی برای ساخت زمان‌های ماضی نقلی و ماضی بعید به کار می‌رود. به این موارد فعل‌های پی‌بستی می‌گویند که عبارتند از:

/-am/ ام، */-ey/* ای، */-a/* است، */-eym/* ایم، */-eyn/* اید، */-an/* اند.

(28) *mive bexor-d-y-am*

fruit eat-PRES.PRF-1SG

«میوه خورده‌ام»

فعل‌های پی‌بستی به دلیل این‌که با صورت کامل خود در توزیع تکمیلی هستند و بر صورت کامل خود منطبق نیستند، واژه‌بست ویژه محسوب می‌شوند. فعل‌های پی‌بستی در گروه فعلی حضور دارند و چنان‌چه در جایگاه هسته باشند فعل ربطی و چنان‌چه در جایگاه پس از هسته باشند، فعل کمکی محسوب می‌شوند.

۹-۴. پی‌بست ضمیری^۲

اسپنسر در مورد اهمیت مطالعه نظام ضمائر واژه‌بستی سه دلیل ارائه می‌دهد:

دلیل اول مربوط به تعامل بین واژه‌بست‌افزایی و ساخت موضوعی است. دلیل دوم اهمیتی است که مطالعه هر نوع نظام ارجاع ضمیری برای نظریه نحوی دارد. و دلیل سوم این‌که اغلب

1. clitic verbs

2. pronominal clitic

نظام‌های ضمیری واژه‌بستی با گذر زمان به نظام‌های مطابقه‌ای تبدیل شده‌اند (اسپنسر، ۱۸۰:۱۹۹۱)

واژه‌بست‌های ضمیری در دو جایگاه فعلی و غیرفعلی به کار می‌روند. جایگاه‌های غیرفعلی شامل سه جایگاه پس از اسم، پس از حرف اضافه و در بند موصولی به عنوان ضمیر تکراری هستند. در جایگاه فعلی نیز دو نقش متفاوت دارند؛ واژه‌بست‌هایی که به افعال مرکب پی‌بستی مشهورند و حضوری اجباری دارند و به نشانه مطابقه تبدیل شده‌اند و واژه‌بست‌هایی که در نقش نشانه مفعول هستند، حاصل مضاعف‌سازی می‌باشند به نشانه مطابقه تبدیل نشده‌اند (راسخ‌مهند، ۱۳۸۹: ۷۵). در گویش طالقانی ضمیر پی‌بستی در جایگاه غیر فعلی و فعلی به کار می‌روند.

۱-۹-۴. واژه‌بست‌های ضمیری در جایگاه غیرفعلی

صورت‌های مختلف ضمیر پی‌بستی در گویش طالقانی عبارتند از:

- پس از همخوان: /-am/ /-et/ /-eš/ /-emân/ /-etân/ /-ešân/

- پس از واکه: /-m/ /-t/ /-š/ /-mân/ /-tân/ /-šân/

ضمایر پی‌بستی پس از اسم: در گویش طالقانی ضمیر پی‌بستی می‌توانند پس از اسم به

کار بروند و در این جایگاه نقش ملکی دارند:

(29) *pul-eš-e hadâ-m*

money-3.SG-OM give-PST.1SG

«پولش را دادم»

(30) *kelâ-m-e vigi-t-am*
hat-1SG-OM pick up-PST.1SG

«کلاه‌م را برداشتم»

ضمایر پی‌بستی پس از حرف اضافه: ضمیر پی‌بستی بعد از حرف اضافه می‌آیند و در این

ساختار می‌توان از ضمیر منفصل دقیقاً به جای آن‌ها استفاده کرد:

(31) *mâl bexares-t-am aze-š*
sheep buy-PST-1SG from-3SG

«گوسفند ازش خریدم»

(32) *mâl bxares-t-am az ?ou*
sheep buy-PST-1SG from 3SG

«گوسفند از او خریدم»

ضمایر پی‌بستی در بند موصولی به عنوان ضمیر تکراری^۱: در این ساختار پی‌بست

ضمیری /-š/ بعد از فاعل بند موصول می‌آید و با فاعل جمله اصلی مطابقت می‌کند:

(33) *mard-e ke kelâ-š sabz-a biâm-a*
 man-DEF whose hat-3SG green-be.PRES.3SG come-PST.3SG
 «مردی که کلاهش سبز است آمد»

۲-۹-۴. واژه‌بست‌های ضمیری در جایگاه فعلی

در گویش طالقانی نیز همانند زبان فارسی ضمایر پی‌بستی در جایگاه فعلی در دو جایگاه

فاعلی و مفعولی به کار می‌روند.

ضمایر پی‌بستی در نقش مطابقه فاعلی: در این ساختار فعل در گویش طالقانی همانند زبان

فارسی به صورت سوم شخص مفرد می‌آید. پی‌بست‌های ضمیری /-am/, /-et/, /-eš/,

/-emân/, /-etân/, /-ešân/ در این جایگاه نقش مطابقه فاعلی^۲ را دارند و هم مرجع با فاعلی

هستند که می‌تواند حضور داشته باشد یا نداشته باشد. این پی‌بست‌ها مطابقه شخص و شمار بین

فاعل و فعل را نشان می‌دهند. در این جملات مطابقه نهاد با فعل وجود دارد اما این وظیفه برعهده

پی‌بست‌های ضمیری است و شناسه‌های فعلی این وظیفه را برعهده ندارند. در زمان گذشته،

نشانه مطابقه تکواژ صفر است و در زمان حال نشانه مطابقه (-a) به کار می‌رود:

مثال برای زمان حال:

(34) *vače xow-š miy-â*
 kid sleep-3SG be-PRES.3SG

«بچه خوابش می‌آید»

(35) *xow-m miy-â*
 sleep-1SG be-PRES.3SG

«خوابم می‌آید»

مثال برای زمان گذشته:

(36) *?ali miv-ân-eš besu-t-Ø*

1. resumptive pronoun

2. subject agreement

Ali fruit-PL-3SG freeze-PST.3SG

«علی میوه‌هایش سوخت (سرما زد)»

(37) *miv-ân-am besu-t-∅*

fruit-PL-1SG freeze-PST.3SG

«میوه‌هام سوخت (سرما زد)»

در این جایگاه حضور ضمیرهای پی‌بستی /-am/, /-et/, /-eš/, /-emân/, /-etân/, /-ešân/ اجباری است.

اجباری است.

ضمایر پی‌بستی در نقش نشانهٔ مفعول: در این جایگاه ضمایر پی‌بستی /-am/, /-et/, /-ešân/، /-emân/، /-etân/، /-eš/ نقش مطابقت ندارند و حاصل مضاعف‌سازی هستند. به بیان

دیگر، واژه‌بست مورد استفاده همان مفعول جمله است که مجدداً به کار رفته است. این ضمیر پی‌بستی پس از فعل ظاهر می‌شود:

(38) *amal-ân-e bebar-d-em-ešan zemin-i sar*

worker-PL-OM take-PST-1SG-3PL field-LINK on

«کارگران را بردم‌شان سر زمین (باغ)»

(39) *amal-ân-e bebar-d-em zemin-i sar*

worker-PL-OM take-PST-1SG field-LINK on

«کارگران را بردم سر زمین (باغ)»

مفعول مستقیم در این جملات باید با نشانهٔ مفعولی همراه باشد در غیر این صورت حضور

ضمیر پی‌بستی جمله را نادستوری می‌کند:

(40) **amal-ân bebar-d-em-eša zemin-i sar*

worker-PL take-PST-1SG-3PL field-LINK on

*«کارگران بردم‌شان سر زمین (باغ)»

در این جایگاه حضور ضمیر پی‌بستی اختیاری است و برای تأکید بیش‌تر می‌آید:

(41) *amal-ân-e bebar-d-am zemin-i sar*

worker-PL-OM take-PST-1SG field-LINK on

«کارگران را بردم سر زمین (باغ)»

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش واژه‌بست‌های گویش طالقانی مورد بررسی قرار گرفت. برای انجام این کار از الگوهای زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) استفاده شد که توسط شقاقی (۱۳۷۴) مطرح شده بودند. این الگوها که شامل آزمون‌های آوایی، صرفی و نحوی می‌باشند، برای بررسی تکواژهای گویش طالقانی مورد استفاده قرار گرفتند و واژه‌بست‌های گویش طالقانی با ارائه شواهدی توضیح داده شد. طبق این آزمون‌ها واژه‌بست در گویش طالقانی فاقد تکیه است، مانع وندافزایی می‌شود اما ممکن است به واژه‌بست دیگری متصل شود. واژه‌بست در گویش طالقانی به مقوله‌های مختلف افزوده می‌شود. خلاء اتفاقی در واژه‌بست‌های گویش طالقانی رخ نمی‌دهد و قابل جابجایی نیست. پس از تطبیق داده‌های پژوهش با آزمون‌های ذکرشده، این نتیجه به دست آمد که گویش طالقانی دارای ۹ واژه‌بست است. این ۹ واژه‌بست عبارتند از: ۲ واژه‌بست ساده؛ $/-e/$ (نشانه مفعولی) $/-e/$ (متمم‌ساز) و ۷ واژه‌بست ویژه $/-o/$ (نشانه عطف)، $/-am/$ (معادل «هم» در زبان فارسی)، $/-e/$ (معرفه‌ساز)، $/-i/$ (اضافه)، $/-â/$ (نشانه تأکید)، «فعل‌های پی‌بستی»، «ضمایر پیوسته».

به نظر می‌رسد که پژوهش حاضر، جزو اولین کارهایی باشد که بر روی واژه‌بست‌های گویش طالقانی صورت گرفته است. به دلیل این که این گویش نیز همانند بسیاری از گویش‌های دیگر در معرض خطر است و به نظر می‌رسد که گویشوران کنونی واپسین نسل‌هایی باشند که به این گویش صحبت می‌کنند، این تحقیق می‌تواند برای آیندگان و کسانی مفید باشد که به حوزه زبان‌شناسی علاقه دارند.

فهرست منابع

الهویی، بهزاد. (۱۳۷۴). بررسی گویش طالقانی - سوهانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

انوری، حسن. و احمدی گیوی، حسن. (۱۳۷۸). دستور زبان فارسی. تهران: فاطمی.

راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۴). نشانه مطابقه مفعولی در فارسی. مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن

زبان‌شناسی ایران. به کوشش دکتر مصطفی عاصی. صص. ۲۷۵-۲۸۵.

راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۶). توصیف افعال مرکب پی‌بستی و شیوه ضبط آن‌ها در فرهنگ‌های فارسی.

فرهنگ نویسی، ویژه‌نامه فرهنگستان، (۱). صص. ۲۳۶-۲۵۳.

- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۸). نگاهی رده‌شناختی به پی‌بست‌های ضمیری در زبان تاتی. پژوهش‌های زبان‌شناسی. (۱)، ص. ۱-۱۰.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۹). واژه‌بست‌های فارسی در کنار فعل. پژوهش‌های زبان‌شناسی. ۲ (۲). صص. ۷۵-۸۵.
- شقایق، ویدا. (۱۳۷۴). واژه‌بست چیست؟ آیا چنین مفهومی در زبان فارسی کاربرد دارد؟. مجموعه مقالات سومین کنفرانس زبان‌شناسی. صص. ۱۴۱-۱۵۸.
- قطره، فریبا. (۱۳۸۶). مشخصه‌های تصریفی در زبان فارسی امروز. ویژه‌نامه فرهنگستان. (۳)، صص ۵۲-۸۲.
- گلفام، ارسلان. (۱۳۸۶). اصول دستور زبان. تهران: سمت.
- مزیانی، ابوالفضل. کامبوزیا، عالیه. و گلفام، ارسلان. (۱۳۹۴). بررسی واژه‌بست‌های ضمیری گویش مزیانی. مجله زبان‌ها و گویش‌های ایرانی. (۵)، صص. ۸۰-۱۰۱.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۷۴). دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتار. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۹۴). دستور زبان فارسی واژگان و پیوندهای ساختی. تهران: سمت.
- ممسنی، شیرین. (۱۳۸۰). توصیف و بررسی واژی- نحوی واژه‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- واحدی لنگرودی، محمدمهدی. و ممسنی، شیرین. (۱۳۸۴). بررسی پی‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری. مجله گویش‌شناسی، (۳)، صص. ۶۴-۸۲.
- هاشمی، مهدی. (۱۳۷۲). نگرشی به گویش طالقان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۴۶). مراغیان الموت و رودبار و زبان آنها (زبان‌های ایرانی الموت و رودبار الموت و کوهپایه). مجله ایران‌شناسی، (۱)، صص. ۱۶۹-۱۷۱.
- Anderson, S. (1994). *A-Morphous Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Anderson, S. (1998). Inflection. In F. Katamba (Ed.) *Morphology: Critical Concepts in Linguistics*. Vol 2. London & New York: Routledge.
- Bauer, L. (2001). *Morphological Productivity*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Booij, G. (2005). *The Grammar of the Words*. Oxford: Oxford University Press.

- Katamba, F. (1993). *Morphology*. London: Macmillan Press.
- Klavans, J. L. (1985). The independence of syntax and phonology in cliticization. *Language*, 95-120.
- Spencer, A. (1991). *Morphological Theory*. Oxford: Blackwell.
- Wackernagel, J. (1892). Über ein Gesetz der indogermanischen Wortstellung. *Indogermanische Forschungen*, 1, 333.
- Zwicky, A. (1977). *on clitics*. Bloomington: Indian University Linguistics Club.
- Zwicky, A. (1994). Clitics. *Encyclopedia of Language and Linguistics*. Ed. R.E. Asher, Pergamon Press. Vol. 2. pp. 571-576
- Zwicky, A & Pullum Geoffrey, K. (1983). Cliticization vs. inflection: the case of English n't. *Language*. 59. pp. 502-513.
- Zwicky, A. M. (1985). Heads. *Journal of Linguistics* 21, pp. 1-29.



پیوست (۱) فهرست کوتاه نوشت‌های مورد استفاده در آوانگاری‌ها

PL	plural	جمع	LINK	linker	کسره اضافه
SG	singular	مفرد	NOM	nominative	فاعلی
PRES	present	زمان حال	DEF	definiteness	معرفه
PST	past	زمان گذشته	PST-PRF	past perfect	ماضی بعید
IMP	imperative	امری	PRES-PRF	present perfect	ماضی نقلی
OBJ	object	مفعول	COMP	complement	متمم
OM	object maker	نشانه مفعول	ADJ	adjective	صفت



Clitic in the Taleqani Dialect

Mousa Mirzaei

Behzad Rahbar

Mohammad Reza Oroji

Abstract

The aim of the present study is an attempt to determine and describe the clitics of Taleqani dialect based on Zwicky and Pullum's tests (1983). Zwicky and Pullum provide several criteria for distinguishing the word from the clitic. These criteria indicate that clitics, compared to words, exhibit characteristics similar to fixes (mostly inflectional fixes). The research was descriptive-analytical and the contributors are twenty Taleqani speakers from the village of Kiyadeh who were in the range of 30 and 80 years and sex was disregarded. They include the different ages and illiterate and the educated. The results of this study show that the clitics of the Taleqani dialect are divided into two categories; simple and special. Simple clitics include 2 clitics; /-e/ (object maker) and /-e/ (complement maker) and special clitics include 7 clitics; /-o/ (conjunction j and", /-am/ (adverb "also", /-e/ (definiteness), /-i/ (linker), /-â/ (emphasis), clitic verbs and pronominal clitics. The present study shows that the Zwicky and Pullum's (1983) tests can be used as a scientific and appropriate tool for identifying and studying Taleqani's clitics. To examine and classify the bound morphemes in the Taleqani dialect, we have selected seven tests from the Zwicky and Pullum's tests (1983). The selected tests were divided into three groups: phonetic, morphological, and syntactic. To investigate and identify the clitics in the Taleqani dialect, first, all of the bound morphemes of this dialect were collected and measured with the help of these tests.

Keywords: Clitic, Enclitic, Morphology, Morpheme, Taleqani dialect